

## بررسی و تاثیر اقتصاد امپراطوری هخامنشی بر وضعیت حقوقی زنان ایالت پارسه در عصر داریوش اول (۴۸۶-۵۲۲ ق.م) به استناد الواح باروی تخت جمشید

سهیلا کامجو<sup>۱</sup>

امیر اکبری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۲

### چکیده

جایگاه حقوقی زنان و حضور آنان در فعالیتهای تولیدی و عمرانی به مثابه یکی از موثرترین مولفه های توسعه اجتماعی است. در این راستا الواح باروی تخت جمشید حاوی نکات قابل تاملی در خصوص وضعیت حقوقی زنان ایالت پارسه در عصر داریوش اول هخامنشی است. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از شواهد باستان شناسی و اسناد برجای مانده به واکاوی تاثیر اقتصاد امپراطوری هخامنشی بر وضعیت حقوقی زنان ایالت پارسه در عصر داریوش اول هخامنشی پرداخته و در پی پاسخ گویی به این پرسش است که اقتصاد امپراطوری در این عصر چه تاثیری بر وضعیت حقوقی زنان در ایالت پارسه داشته است؟ یافته های پژوهش بیانگر تاثیرپذیری وضعیت حقوقی زنان ایالت پارسه از شرایط اقتصادی و سیاستهای مالی در عصر داریوش اول هخامنشی است که این مساله بر باورهای حقوقی نسبت به زنان تاثیرگذار بوده و شرایط نوینی را به لحاظ حقوق شهروندی برای زنان به همراه داشت. به این معنا که در فرایند رشد اقتصادی و توزیع درآمد، زنان ایالت پارسه انگیزه قدرتمندی برای مشارکت اقتصادی در پروژه های شاهی یافته و در کنار مردان به فعالیتهای تولیدی پرداختند.

**کلیدواژه ها:** اقتصاد، الواح باروی تخت جمشید، زنان، داریوش اول، ایالت پارسه.

<sup>۱</sup> دانش آموخته دکتری، تاریخ ایران باستان، آموزش و پرورش، لار، ایران. soheilakamjoo@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول) amirakbari84@yahoo.com

## مقدمه

قوم پارس گروهی از مهاجران آریایی بودند که در کنار مادها از آسیای میانه تا کوه‌های زاگرس پیش آمده و در قسمت‌های غرب و جنوب غربی دریاچه ارومیه ساکن شدند. قبایل پارسی بر اثر فشارهای اورارتو و آشوری‌ها به سمت جنوب حرکت نموده و در آنجا سکونت یافتند (هینتس، ۱۳۸۰: ۶۳-۵۱). قبایل معروف و بزرگ پارسی عبارت بودند از پانتالی‌ها، ماسپی‌ها، دروسیان‌ها، مردها، داهه‌ها، دروپیک‌ها، ساگارتیان، پاسارگادی‌ها و مادافی‌ها (هرودوت، ۱۳۶۸: ۲۱۱). بنابراین قبایل پارسی، طی مهاجرت به نواحی جنوبی فلات ایران در استان فارس امروزی سکونت یافتند و با انضمام ایلام به قلمرو آنان منطقه وسیعی از حدود خلیج فارس تا خوزستان کنونی زیر نفوذ آنان قرار گرفت (ویسهوفر، ۱۳۸۲: ۶۵-۴۷).

امپراطوری داریوش از سواحل شرقی دریای مدیترانه و اژه و رود نیل در غرب آغاز و از شمال به دریاچه آرال و از جنوب به قسمت‌های جنوبی خلیج فارس می‌رسید (ایمانپور، ۱۳۸۸: ۲۳). طبیعی بود که این گستره وسیع با سرزمین‌های مفتوحه ثروت، نیروی انسانی و مهارت‌های فراوانی را در اختیار وی قرار دهد. تولید که از مهمترین شاخص‌های قدرت اقتصادی جامعه محسوب می‌شود در این دوره افزایش چشمگیری داشت و تشریک مساعی زنان در کنار مردان که به استناد الواح باروی تخت جمشید مسلم است را می‌توان در نتیجه ثروت و سرمایه‌ای دانست که در شاهنشاهی هخامنشی در جریان بود. هر چند باورهای حقوقی و فرهنگی نیز در این زمینه تاثیرگذار بودند.

امپراطوری هخامنشی با پذیرش علایق و فرهنگ ملتها، مجموعه‌ای هماهنگ را ایجاد نمود (Bottero, 2002: 233). در این مجموعه منسجم، ایالت‌های مرکزی مانند پارس، ماد و ایلام در دوره داریوش اول (۵۲۲-۴۸۶ ق. م) از جایگاه مهم‌تری نسبت به سایر ساتراپ‌ها برخوردار بودند. در واقع اعمال سیاست تساهل توسط شاه به نوعی باعث رشد اقتصادی در بین ایالت‌هایی مانند مصر، بابل و فینقیه شد و بالا رفتن سطح تولید در این نواحی به نوعی به افزایش امکانات رفاهی منجر شد (نورث، ۱۳۷۹: ۳۵). این امکانات رفاهی منحصر به ایالات فتح شده نبود، بلکه سرمایه و ثروتی که از این مناطق به شکل‌های گوناگون از جمله مالیات

جمع آوری می‌شد به‌طور غیرمستقیم در سیاست‌های مالی و تنظیم و تعدیل پرداختی‌ها به زنان تاثیرگذار بود.

در کاوش‌های باستان شناسی سال‌های (۱۳۱۲-۱۳۱۳) موسسه شرقی دانشگاه شیکاگو، از باروی شمال شرقی تخت جمشید سی هزار گل نوشته کشف گردید که بیشتر این گل نوشته‌ها سالهای سیزدهم تا بیست و هشتم (۴۹۴-۴۹۳ تا ۵۰۹ ق. م) را در بر می‌گیرد (ارفعی، ۱۳۸۷: ۱۹). همه این الواح با کارهای ساختمانی داریوش و خشایارشا مرتبط بوده و نام کارگران و کشورهای محل سکونت آنان و مزدی که می‌گرفتند و کاری که انجام می‌دادند در آنها مندرج است (اومستد، ۱۳۸۶: ۱۳). الواح مربوط به دوره هخامنشی، که محتوای آن مبتنی بر اصول و بنیان‌های فکری حقوقی پارسیان است، معیار شایسته‌ای برای بیان شرایط حقوقی زنان و بررسی قدرت اقتصادی به‌ویژه در عصر داریوش اول است. زیرا بر مبنای این گل نوشته‌ها، با ملحق شدن زنان به نیروی کار جامعه، فرصت تعامل صحیح و بروز توانمندی‌های زنان به‌خوبی ترسیم شده است.

مساله این پژوهش واکاوی و تبیین تاثیر اقتصاد بر وضعیت حقوقی زنان ایالت پارسه در عصر داریوش اول هخامنشی است. یافتن پاسخی به این سوال که اقتصاد امپراطوری در این عصر چه تاثیری بر وضعیت حقوقی زنان در ایالت پارسه داشته است؟ فرضیه مورد نظر آن است که مندرجات الواح بطور قابل ملاحظه‌ای به تشریح مساعی زنان و مردان در فعالیتهای تولیدی و عمرانی اشاره دارد و حصول بهره‌مندیهای حقوقی زنان و مردان فعال در پروژه‌های اقتصادی، به عملکرد آنان بستگی دارد نه جنسیت آنان. از سوی دیگر رونق اقتصادی عصر داریوش اول نیز بستر فعالیتهای حقوقی متنوعی را فراهم ساخت که سبب شد زنان به این مشاغل راه پیدا کرده و به تناسب کاری که انجام می‌دهند حقوق دریافت کنند.

تا کنون پژوهش مستقلی در باب تاثیر اقتصاد بر وضعیت حقوقی زنان ایالت پارسه در دوره داریوش اول هخامنشی نگاشته نشده است. لیکن در حوزه مطالعات زنان در دوره باستان و دوره هخامنشی پژوهشهای ارزنده‌ای انجام شده است. کار، لاهیجی (۱۳۷۱) در کتاب شناخت

هویت زن ایرانی در گستره پیش از تاریخ و تاریخ به بررسی وضعیت زنان در دوره های پیش از تاریخ و دوران تاریخی پرداخته اند. علوی (۱۳۷۸) در کتاب زن در ایران باستان ابعاد زندگی اجتماعی زنان در دوره باستان را مورد بررسی قرار داده اند. کخ (بی تا) در کتاب از زبان داریوش و بروسیوس (۱۳۸۱) در کتاب زنان هخامنشی، به زندگی زنان هخامنشی بر مبنای الواح باروی تخت جمشید پرداخته اند. ارفعی (۱۳۸۷) نیز در کتاب گل نبشته های باروی تخت جمشید به خوانش و ترجمه فارسی ۱۵۰ لوح باروی تخت جمشید که در بردارنده نکاتی در باره زندگی زنان هخامنشی است، پرداخته اند. وحدتی هلان (۱۳۹۱) در کتاب ارزش و مقام زن در ایران باستان به بررسی شرایط فرهنگی و اجتماعی زنان در ادوار باستان پرداخته اند. غلامرضایی (۱۳۹۴) در کتاب تاریخ و فرهنگ ایران به شرایط زنان در برهه های مختلف دوران باستان از جمله دوره هخامنشی پرداخته اند. افخمی و دیگران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان مطالعه جایگاه زن در دوره هخامنشی و آشوری بر اساس شواهد باستان شناختی به بررسی و مقایسه شرایط زنان در دوره هخامنشی و تمدن آشور پرداخته اند. لیکن پژوهش کنونی، به روش توصیفی- تحلیلی، و معطوف به مسایل تاثیر گذار بر شرایط حقوقی زنان ایالت پارسه در عصر داریوش اول هخامنشی است و تلاش می کند به بررسی تاثیر سیاست های مالی داریوش بر وضعیت حقوقی زنان و دریافتی های آنان در ایالت پارسه بپردازد.

### تاملی بر انگاره های حقوقی نسبت به زنان قبل از هخامنشیان

توجه به باورهای فرهنگی نسبت به زنان از این نظر حائز اهمیت است که این مولفه می تواند سایر ابعاد حقوقی را نیز تحت تاثیر قرار داده و آن را تفسیر کند. حضور و تاثیر زنان در اجتماع را آریایی ها، از ساکنان بومی فلات ایران فرا گرفتند. نقش فرهنگی و بنیان دستاوردهای تولیدی زنان پروسه ای طولانی بود که نزدیک به چهار هزار سال به طول انجامید و توانست با اقتدار راه خود را از میان فراز و نشیبها باز یابد (ایولین، ۱۳۸۹: ۹۲-۹۴).

در نزد بومیان فلات ایران زن مظهر برکت بود. در این دوره زنان به رموز کشت نیز پی برده و به تولید صنایع خانگی پرداختند (وحدتی هلان، ۱۳۹۱: ۵۳). در واقع حضور زنان در عرصه

های مختلف به گواه شواهد تاریخی، در تمامی دوره ها زمینه بهبود شرایط زندگی را موجب شده است. اما فرهنگها به تناسب باورهای خویش، هویتی مجزا را برای زنان تعریف نموده اند که مبتنی بر بنیان های معرفتی و دینی آنها بوده است.

پژوهشگران بر وجود پدر سالاری در میان خانواده هند و اروپایی و آریاییها اتفاق نظر دارند. در خانواده ایرانی در دوران باستان گاهی سه مبحث اقتصاد، وراثت و آیین های دودمانی و رابطه جنسی و طبیعی همسران از یکدیگر جدا می شوند و در نتیجه چنین تفکیکی است که شکل و ساختار خانواده راه را بر تفسیرهای نادرست می گشاید (مزداپور، ۱۳۹۴: ۲۵۱-۲۵۲) و زمینه پیدایش نابرابری و در هم شکستن مقاومت های حقوقی و فرهنگی را فراهم می نماید که مهمترین پیامد رویکرد مزبور محروم نمودن زنان از حقوق انسانی در گستره تاریخ باستان و بعد از آن بوده است.

چنان که اشاره شد آریایی ها بسیاری از مبانی فرهنگی و حقوقی را از بومیان فلات ایران فرا گرفتند. تقدیس الهه مادر (Nanaya) تا دوره اشکانیان نیز به استناد قبور مکشوفه وجود داشته است (کار، ۱۳۷۱: ۳۷۱). از سوی دیگر در تمدن ایلام و به استناد یکی از الواح ایلامی، شخصی در تقسیم ارث در وصیتنامه خویش، اموال خود را بطور مساوی بین دختران و پسران تقسیم نموده و نام پسران را بعد از ذکر نام دختران آورده است. (امین، ۱۳۸۲: ۵۳). بنابراین تقدم نام دختران بر پسران گویای احترام به زنان در فلات ایران بوده است.

می توان پنداشت که انبوهی از نظریه های متضاد در این زمینه، نیازمند استناد به منبعی اصیل و شفاف است که در این میان برای اثبات شرایط مناسب حقوقی زنان پارسی با توجه به اندیشه های کهن هند و اروپایی پدرسالاری در مقابل باورهای مادرسالاری بومیان فلات ایران، الواح باروی تخت جمشید قوی ترین و زنده ترین مدرک موجود است که می تواند روشن کننده بسیاری از ابهامات حقوقی در حوزه زنان باشد.

## تاثیر سیاستهای اقتصادی داریوش اول بر ساختار حقوقی زنان دربار هخامنشی

از جمله منابع دست اول برای بیان حضور زنان درباری و غیر درباری در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی، الواح تخت جمشید است. (بروسیوس، ۱۳۸۱: ۱۶۶).

واکاوی الواح، بیانگر اقتدار اقتصادی زنان درباری است، در این الواح مطالب مهمی در مورد حضور زنان درباری در اجتماع هخامنشی مندرج است و نتیجه قابل توجهی که از بازخوانی این الواح بدست می‌آید این نکته را مسلم می‌دارد که در اداره سازمانهای کشوری، زنان درباری حضور داشته‌اند.

در واقع فتوحات، فرصتهای اقتصادی خوبی را در اختیار شاهنشاهی قرار داد. این فرصتها علاوه بر تامین نیروی ماهر، به نوعی تعاملات اقتصادی را در این سرزمینها رونق بخشید. شکوفایی اقتصادی عصر داریوش مدیون سیاست تساهل بود. به‌طور معمول هخامنشیان در زندگی اقتصادی، اجتماعی و مذهبی ایالت‌های تابعه مداخله نمی‌کردند. اما فرصتهای اقتصادی را برای افزایش بهره‌وری در اختیار آنان قرار می‌دادند (Rostovtzeff, 1941: 77). نکات مندرج در الواح بیانگر هوشمندی داریوش در استفاده بهینه از ثروت مناطق مفتوحه است. زیرا این مناطق آباد به پویایی اقتصادی، تعامل و ایجاد اشتغال برای زنان و مردان در ساخت پروژه‌های عمرانی و شاهی همچون تخت جمشید کمک نمودند.

در این دوره، مبادلات کالایی وسیعی وجود داشت که مبنای آن به مالیات‌ها برمی‌گشت که از ساتراپ‌های مختلف وصول می‌گردید. این مالیات‌ها ابتدا به مرکز ایالت و سپس به مرکز اقتصادی امپراطوری یعنی تخت جمشید فرستاده می‌شد. کالاهایی که به عنوان مالیات گرفته می‌شد نیازمند انبارهای زیاد و یک سیستم منظم جهت دریافت و نگهداری و کنترل اقلام بود که به استناد الواح بارو، چنین امکاناتی موجود بوده است (حسین بر، ۱۳۸۸: ۴۸). وفور اقلام غذایی در انبارهای ایالت پارسه و پرداخت دستمزدها بصورت جنسی، گواه این مطلب است و این فراوانی، امکان برپایی جشن‌ها و شادی‌هایی را برای زنان درباری فراهم می‌کرد. به این معنا که در سایه رونق اقتصادی، زنان درباری صاحب املاک وسیع بوده و به تولید

محصولات کشاورزی و دامی در این مناطق می‌پرداختند و نیز مقادیر هنگفتی اقلام غذایی زیر نظر شاه، برای برگزاری جشن‌ها و یا مسافرت‌های خویش دریافت می‌نمودند.

در این الواح بطور مشخص به چهار زن درباری اشاره شده است. آتوسا، ارتیستونه، رته بامه و آپاکیش، آتوسا دختر بزرگ کورش و مادر خشایارشا بوده و ۲ بار از وی یاد شده و به میزان گندم و جو که از درآمد مالیات به وی تعلق می‌گرفته اشاره شده است. آرتیستونه همسر داریوش کاخ‌های متعدد در مناطقی مانند ورنتوش، مدنه و کوگنکا داشته است. یکی از این الواح به دیدار شاه از کاخ کوگنکا و ملاقات با آرتیستونه اشاره دارد. در برخی الواح به تاریخ سال ۴۹۸ ق.م دستورات مکتوب ملکه آرتیستونه برای دریافت امور مورد نظر بصورت رونوشت‌هایی که مخصوص باروی تخت جمشید بوده موجود است. (کخ، بی تا: ۲۷۳-۲۷۲).

آرتیستونه همسر داریوش از زنان صاحب نفوذ دربار بوده است. او مالک روستا و کارگاه قالی‌بافی بوده و البته تعدادی از افراد سپاه نیز در خدمت وی بودند (کوک، ۱۳۸۳: ۱۴۱-۱۴۰). آرتیستونه در سه منطقه پارسه، کوکانکان، متانان و میراندو دارای املاک بوده که از طرف ملکه توسط مابشری اداره می‌شد (بروسیوس، همان: ۱۶۶). می‌توان پنداشت که نزدیکی و اتصال بیشتر به شاه امتیازات و شادی‌های بیشتری را در اختیار زنان درباری قرار می‌داد. این مطلب از برگزاری جشن‌ها و میهمانی توسط آرتیستونه قابل توجیه است. نکته مهمی که باید آن را در نظر داشت، آزادی زنان درباری برای برگزاری مراسم و ضیافت‌های شاهانه است که این مساله به یاری آگاهی‌های الواح باروی تخت جمشید قطعی است.

نکته مهمی که باید آن را در نظر داشت تحول دائمی و فراز و نشیب‌های حقوقی زنان در فلات ایران است که با فرمانروایی داریوش تقریبا صورتی منطقی یافت. هرچند در نزد بومیان فلات ایران نیز زنان از احترام برخوردار بودند، اما با توجه به اهمیت و نقش پدر در نزد پارسیان، ورود زنان درباری به عرصه‌های مدیریتی، اقتصادی و حتی سیاسی در این دوره زمانی، نقطه روشنی در زندگی زنان پارس می‌شود، که در این میان نقش رونق اقتصادی در سایه اقدامات داریوش از جمله ثروت‌هایی که از سرزمین‌های مفتوحه بدست

می‌آمد، تنظیم مالیات و سیاستهای مالی وی که بستر لازم را جهت ورود زنان به عرصه کار و تولید فراهم کرد قابل توجه است.

در الواح تخت جمشید دو عنوان ایرتی و دوکشیش برای اشاره به زنان درباری به کار رفته است (ارفعی، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۳).

بنظر می‌رسد دو اصطلاح یاد شده یعنی ایرتی و دوکشیش احتمالاً به معنای شهبانو یا شاهزاده خانم است که بیانگر وابستگی به دربار و شاه بوده و این عنوان امتیازات زیادی را در اختیار این زنان قرار می‌داد.

آرتیستونه دوکشیش چنانکه اشاره شد از جمله زنان مقتدر درباری بوده است. به طوری که در لوحی متعلق به ماه اول سال نوزدهم سلطنت داریوش نامه‌ای از طرف شاه به پرنکه (صاحب منصب عالی‌رتبه) نوشته شده و در آن دستور واگذاری ۱۰۰ راس گوسفند و در لوح شماره ۱۷۹۵ که با تاریخ قبلی مطابقت دارد ۲۰۰۰ کوارت شراب (۱۹۴۰ لیتر) به آرتیستونه تعلق گرفته است. بنظر می‌رسد این اقلام زیاد برای تدارک مهمانی بوده است (بروسیوس، همان، ۳۹)، علاوه بر آن در لوح ۱۶۶ به تاریخ نامعلومی از سال ۲۲ ذخیره ۷۱۰۰ کوارت و ۵۴۰ کوارت تار مو (نوعی از حبوبات خوراکی) در متانان و در لوح ۱۶۸ به تاریخ نامشخصی از سال ۲۲ ذخیره ۵۷۰ کوارت انجیر ثبت شده است (همان: ۱۶۶).

در متنی‌هایی که آذوقه شاهی در آن قید شده افزون بر خود شاه، از آرتیستونه همسر وی، آرشام پسرش و بانویی بنام ایردبما که نسبت وی با داریوش هنوز ناشناخته مانده یاد شده است (ارفعی، ۱۳۷۸: ۴۲). موقعیت ایردبما به توجه به آگاهی‌های دریافتی از الواح به مراتب از آرتیستونه بالاتر است و این مساله از فعالیت اقتصادی وی و مقادیر دام و شراب ثبت شده برای او مشخص می‌گردد. بنابراین وی یکی از عالی‌ترین مقامات زن در دربار بوده است (بروسیوس، همان: ۲۳۶). یکی دیگر از بانوان درباری، ردوش نومی می‌باشد وی در ماه ۱۲ سال بیست و سوم برای مدت ۴ روز ۱۷ مریش شراب دریافت می‌کند که احتمالاً این بانو باید دختر داریوش و همسر مردونیه باشد که در pfa5 از وی نام برده شده است (ارفعی،



همان: ۴۲). از نظر برابری هر گوسفند با ۳ مریش شراب یا آبجو و هر مریش شراب با سه BAR غله گندم یا جو برابر بوده است (همان: ۳۵).

با توجه به اطلاعات موجود، جایگاه و موقعیت زنان درباری چنان که بیان گردید از میزان املاک و دریافتی‌های آنان و کاری که انجام می‌دادند قابل تشخیص است. بر مبنای یکی از الواح بانویی بنام فوبان مالا (Fubanmala) از کرمان به سمت شاه در حرکت بوده که دریافتی و مواجب سفر وی بیش از دریافتی دختر داریوش است و ۴/۵ مریش شراب دریافت نموده است. از آنجایی که کارپرداز مواجب سفر وی هیپرتی بوده می‌توان حدس زد که مکان دریافت مواجب سفر این بانو دور از دو منطقه داریان و دودج در شرق شیراز و بر سر راه خرامه باشد (ارفعی، همان: ۵۰) که بیانگر اهمیت ماموریت کاری وی بوده و احتمالاً سفری سیاسی اقتصادی بوده است با توجه به دریافتی و هزینه‌ای که در این سفر به این زن پرداخت گردیده است. اما اینکه دقیقاً سفر و ماموریت وی برای چه کاری بوده اطلاعی در دست نیست.

این نکته مسلم است که زنان درباری با املاک و درآمد فراوان، دارای کارگران زیادی بودند و موقعیت اجتماعی متفاوتی داشتند (آزاد، بی تا: ۵۳). این زنان در سفرهای سیاسی و سفرهای فصلی دربار به پایتخت‌ها و شکار همواره شرکت داشتند. (بروسیوس، همان: ۱۲۴-۱۱۴). در واقع این زنان از ملاکینی بودند که بنظر می‌رسد در هر کدام از املاک، آنان محصولی کشت می‌گردید (همان: ۱۷۳). الواح تخت جمشید اسناد محکمی از حضور زنان در جشن‌ها و مهمانی‌های رسمی می‌دهد به طوری که یونانی‌ها همواره از شرکت آشکار زنان پارسی در وقایع اجتماعی شگفت‌زده شده و آن را نمی‌پسندیدند (همان: ۱۳۰). پلوتارک می‌گوید شهبانو استاتیرا همسر اردشیر دوم (۴۰۴-۳۹۵ ق.م) در کالسکه سلطنتی همواره پرده را بالا زده و زنان وی را دیده و با وی گفتگو می‌کردند (پلوتارک، ۱۳۶۹: ۴۸۳). شگفتی مورخان یونانی از طرح چنین مباحثی در مورد زنان هخامنشی، بیانگر عدم وجود چنین شرایطی برای زنان یونانی بوده است و بنظر می‌رسد برگزاری محافل شادی در یونان در بازه زمانی مورد نظر کاملاً مردانه بوده است.

ممکن است این سوال مطرح شود که حضور ملاکین و زنان درباری که از آنان نام برده شد در اجتماع هخامنشی جنبه تشریفاتی داشته یا خود آنان ناظر بر فعالیت کارگاه‌ها و املاک کشاورزی بوده‌اند و یا تخصصی در این کار داشته‌اند؟

در پاسخ به این سوال می‌توان به لوح PFA استناد نمود که بیان می‌کند زنان درباری همچون ایرد به مه دارای مهر مخصوص بوده‌اند و به گواه اسناد بابلی، زنان درباری املاکی خارج از سرزمین پارس نیز داشته‌اند (بروسیوس، همان: ۱۷۱). داشتن مهر در واقع به منزله نظارت و سرپرستی است و این امتیازی بود که شاه به زنان درباری اعطا نموده و به آنان در اداره امور سرزمینهای تحت نظارتشان در ایالت پارسه اختیاراتی داده بود.

از سوی دیگر کشت اقلام کشاورزی مورد نیاز ایالت پارسه، با توجه به این مساله که عمده دریافتی‌ها به صورت اقلام و نیازمندی‌های روزانه کارگران بوده و در املاک زنان درباری با توجه به شرایط جغرافیایی، نوع خاصی از محصول کشت می‌شده، به نوعی مشارکت اقتصادی و اجتماعی این زنان در گستره امپراطوری و ایالت پارسه را مسلم می‌دارد. زیرا این تشکیلات وسیع نیازمند مدیریت قوی برای انتخاب محصول زیر کشت و رسیدگی و حسابرسی‌های مداوم بوده است. شواهد گویای آن است که خود ملکه بر وضعیت املاک نظارت مستقیم داشته است و به نوعی این بانوان درباری نماینده شاه برای اداره امور در مناطق مختلف بوده‌اند.

مصدق این مطلب نامه‌ای از ارته بامه است که در آن به حسابدار خود دستور داده بصورت شفاف به هزینه‌ها رسیدگی نماید (رجبی، ۱۳۸۰: ۲۹۹) (غلامرضایی، ۱۳۹۴: ۱۳۷). از طرف دیگر ملکه می‌بایست گزارش درآمدها و مخارج خود را به دیوان شاهی ارائه می‌داد و آمار و ارقام درآمد و مخارج‌ها با مهر ملکه مشروعیت می‌یافت (بروسیوس، همان: ۱۱۸). دستور ارته بامه به حسابدار خویش برای بررسی دقیق هزینه‌ها به نوعی گویای مبهم بودن هزینه‌های ارسالی برای ملکه است و از سوی دیگر به نظارت دقیق آنان بر مسائل مالی حوزه تحت نفوذ خود اشاره دارد. باید توجه داشت تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی بدون اقتصاد پویا و رو به

رشد امکان‌پذیر نیست که در این میان داریوش با هدایت اقتصاد در مسیر مطلوب، زمینه حضور زنان در مشارکت‌های اقتصادی و حمایت از اقشار کم درآمد جامعه که راهی برای گسترش رشد اقتصادی است را فراهم نمود.

اقلام متنوع کشاورزی در لوح‌های باقی مانده تخت جمشید (Henkelman, 2011:2-3) این مطلب را تایید می‌کند که در حوزه ایالت پارس از تخت جمشید تا ایلام، زمین‌های بسیاری زیرکشت محصولات مورد نیاز بوده و تعداد زیادی از کارگران به زراعت مشغول بوده‌اند. بنظر می‌رسد اشتغال زنان کارگر در محدوده زمین‌های زراعی بصورت خانوادگی و فصلی، با توجه به نوع محصول و برای برداشت میوه و سایر اقلام کشاورزی بوده است که فصل‌های مشخصی از سال زیر نظر کارفرما که ممکن بود زنان درباری و محدوده تحت مالکیت آنها باشد، به جمع‌آوری محصولات و مراحل پایانی زراعت مشغول بوده‌اند. این مطلب با ظرافتی خاص به حضور اجتماعی و اقتصادی زنان درباری اشاره دارد که نیازهای ایالت پارسه و اقلام غذایی مورد نیاز مردم را به نوعی تامین می‌نمودند.

### سرزمینهای مفتوحه و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی در عصر داریوش اول ( ۵۲۲-۴۸۶ ق.م)

سرزمینهای فتح شده از شاخص‌های تاثیرگذار بر رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی در عصر داریوش اول است که به تقویت بنیه اقتصادی امپراطوری انجامید. بطوری که ثروت‌های سرازیر شده از این مناطق زمینه مشارکت اقتصادی زنان در فعالیتهای تولیدی را فراهم نموده و بهبود توزیع درآمد را موجب شد. در واقع این ممالک آباد، چرخ‌های اقتصاد امپراطوری را به حرکت درآورده و شاهنشاهی را به یک کارفرمای بزرگ در عرصه اقتصاد تبدیل نمود. از جمله اقدامات داریوش که تاثیر بسزایی در زمینه توسعه اقتصادی امپراطوری داشت احداث کانال سوئز بود. زیرا از طریق این آبراهه ارتباط مصر، ایران و هند فراهم شد و از طرفی مسیر مرکز امپراطوری به سرزمینهای مفتوحه در آفریقا کوتاه‌تر گردید و از سویی حمل کالاها به سراسر امپراطوری امکان‌پذیر گشت که در این میان بنادر خلیج فارس نیز شهرت جهانی یافتند (پیرنیا، ۱۳۸۱: ۵۲۷). با توجه به این نکته که رودخانه‌های پرآب دجله

و فرات نیز در اختیار داریوش بود، حفر این کانال اهمیت فوق‌العاده‌ای به لحاظ توسعه اقتصادی می‌یافت (کوک، ۱۳۸۸: ۱۲۷). زیرا کالاها و اقلام کشاورزی این مناطق به سراسر امپراطوری و به‌ویژه ایالت پارسه حمل می‌گردید و نقش تعیین‌کننده‌ای در اهداف اقتصادی داریوش و همچنین برپایی کارهای ساختمانی و دستمزد کارگران زن و مرد داشت. بنابراین ایجاد پروژه‌های اقتصادی و عمرانی، افزایش بهره‌وری و نیز تقسیم کار بین زنان و مردان را در پی داشت. بازنگری الواح تخت جمشید، تلاش شاه برای رفع کاستی‌ها و مشکلات اقتصادی را مسلم می‌دارد که از نتایج این طرح فعالیت برخی از زنان در بخشهای مدیریتی در کارگاههای ایالت پارسه است.

از آنجایی که نقوش و اطلاعات چندانی از زنان هخامنشی بر جای نمانده (شهبازی، ۱۳۸۲: ۶۱-۶۳). اسناد حقوقی تخت جمشید در باب روشن ساختن جنبه‌های مبهم ساختار حقوقی زنان هخامنشی اهمیتی فوق‌العاده می‌یابد.

در واقع اصلاحات مالی و پولی در دوره داریوش اتفاق افتاد. اما بنظر می‌رسد که پرداخت مالیات بصورت جنسی و پرداختهای پولی بصورت طلا و نقره و در رده‌های بالای دستگاه امپراطوری رخ می‌داده است (Jursa, 2011: 431). در بررسی تحول اقتصادی کشور در عصر داریوش و گسترش ظرفیت‌های تولیدی، مالیات از شاخص‌های مهمی است که داریوش به آن توجه ویژه داشت. چنان که بنظر می‌رسد این سیاست‌های مالی در افزایش فعالیت‌های تولیدی و ورود زنان به عرصه‌های تولید تاثیرگذار بوده است.

مالیات بر مراکز دینی نیز در دوره داریوش معمول بوده است. به‌ویژه در ممالک مترقی مانند بابل، تلاش شد تا مالیات گیری بصورت پرداخت پولی صورت گیرد. معابد بابل می‌بایست برای شاه و طرح‌های عمرانی همچون ساخت‌وسازها، نگهداری از املاک کشاورزی و اهداف جنگی نیرو تهیه نمایند (همان). از جمله خانواده‌های ثروتمند بابل خانواده آگیبی بودند آنان به دلیل استفاده تجاری در مسیرهای آبی مالیات هنگفتی پرداخت می‌کردند. اسناد بر جای مانده از این خانواده مشخص می‌کند که زمین منبع اصلی خراج‌های شاهی بوده است که

البته پارسیان به واگذاری این زمین‌ها به بخش خصوصی و رونق تولید نیز مبادرت می‌ورزیدند (میرزایی، ۱۳۹۲: ۸۸). چنانکه ملاحظه گردید مالیات حاصل از زمینهای زراعی سود، قابل توجهی را به پیکره امپراطوری تزریق می‌نمود. بنابراین زمین را میتوان از جمله پروژه‌های مهم تولید دانست که زنان کارگر و کودکان در مناطق مختلف، زیر نظر دربار و زنان درباری، بر روی آن کار می‌کردند و متناسب با کاری که انجام می‌دادند که ممکن بود برداشت محصول یا کارهای نزدیک به آن باشد مزد دریافت می‌نمودند.

### تاثیر سیاست های مالی بر وضعیت حقوقی زنان کارگر

به استناد الواح تخت جمشید، زنان در ردیف مردان در کارهای اقتصادی مشارکت نموده و مزد هر طبقه از کارگران از جمله زنان، کودکان، پیشه‌وران، و حتی افراد مزدور معین بوده است (علوی، ۱۳۷۸: ۳۶). الواح برجای مانده شامل اسناد مالی، دریافت‌های کلی، جیره مستمری، مواجب خاص، دریافت‌های منصب‌داران، مواجب مادران، مواجب روحانیون، جیره سفر، ثبت اسناد مالی، حسابرسی سالانه، مواجب ماهانه، و مواجب روزانه می‌باشد (Hallock, 1969: 13-47). تاریخ الواح چنانکه اشاره شد متعلق به دوره سلطنت داریوش اول (۴۸۶-۵۲۲ ق.م) است (بروسیوس، همان: ۲۳۴). در ایالت پارسه پرداخت حقوق و دادوستدها به صورت اقلام کشاورزی و دامی و نقره نامسکوک بوده است (آلتهایم، ۱۳۸۲: ۶). به استناد این لوح‌ها، در بین کارگران زن و مرد پرداختها معمولاً بصورت جنسی و محصولات مورد نیاز خانواده بوده که به مصرف روزانه می‌رسیده است. در واقع با توجه به بستر جغرافیایی ایالت پارسه، امکانات مناسب جهت پرورش محصولات گیاهی و دامی نیز فراهم بوده و این نکته تاثیر قابل توجهی در برطرف نمودن نیازهای خانگی و رونق کشاورزی و تولید داشت.

شایان توجه است که اقدامات داریوش، انضباط و تعامل قابل توجهی را در سرزمینهای تحت سلطه امپراطوری بوجود آورد. پورداوود معتقد است که داریوش قوانین اخلاقی محکمی را برای زنان و مردان در حوزه امپراطوری خویش تعیین نموده بود. مثلاً اگر کسی دختری را اغفال می‌کرد پسر و دختر هر دو محکوم به مرگ بودند و اگر کسی با تهیه دارو به سقط

جنین کمک می‌کرد وی نیز به مرگ محکوم می‌شد (پورداوود، ۱۳۲۳: ۳۶۱-۳۵۷). چنین قوانینی که به‌طور رسمی اعلام می‌شد، از نظر حقوقی نوعی حمایت از زنان محسوب می‌گردید. باید توجه داشت که این قوانین قضایی، چون از طرف شاه اعلام می‌شد قابلیت اجرایی داشته و در سراسر امپراطوری اجرا می‌شده است. می‌توان پنداشت که در سایه این قوانین حقوقی، زنان از امنیت نسبی در جامعه برخوردار بودند. با توجه به گستره امپراطوری و انضمام سرزمین‌های مفتوحه به قلمرو امپراطوری، کسی حق تعرض و بی‌احترامی به زنان را نداشت و سخت‌ترین مجازات‌ها در انتظار مجرمان بود و ساتراپ‌ها موظف بودند قوانین و آداب حقوقی شاه را رعایت کنند. این قوانین برخورداری‌های امنیتی زنان، به‌ویژه زنان طبقات پایین‌تر را موجب می‌شد زیرا آنان آزادانه‌تر و بدون تشریفات زنان درباری، در اجتماع و در محدوده کار و زندگی خویش به فعالیت می‌پرداختند.

داریوش به برقراری آرامش و بهره‌وری اقتصادی ایالات تاکید داشت (Meadows, 2005: 185). زیرا در سایه آرامش و انعطاف پذیری اهداف اقتصادی نیز تسهیل و دست یافتنی می‌شد.

پیشینه این سیاست انعطاف‌پذیری در حکومت پارسیان، به کوروش برمی‌گشت. در فتح بابل این سیاست هزینه‌های سنگین مالی فتح را به حداقل رساند (Kuhrt, 1983: 89). بدین سان این شاخص در حکومت داریوش نیز تداوم یافت. و از دلایل موفقیت وی در انباشت ثروت و رونق تولید بود. در واقع، اقتصاد و ثروت از مهمترین ابزارها در مسیر پیشرفت و ترقی یک کشور محسوب می‌شوند. اسناد برجای مانده بیانگر این است که رشد اقتصادی عصر داریوش بر زندگی شخصی و کاری مردم نیز تاثیرگذار بود و سبب شد زنان با استفاده از فرصت مهیا شده به فعالیتهای اقتصادی وارد شده و متناسب با کاری که انجام می‌دادند حقوق دریافت نمایند. بدین ترتیب فرصتهای شغلی متنوعی در اختیار زنان قرار گرفته و علاوه بر آن زمینه پیشرفت و ارتقاء شغلی زنان و رسیدن آنان به پست‌های مدیریتی نیز فراهم گشت. نباید از نظر دور داشت که هدایت اقتصاد امپراطوری در مسیر مطلوب با وجود گستره ناهمگون امپراطوری و انضمام سرزمینهای مختلف به آن، کار ساده ای نبود. شواهد

حاکمی از آن است که داریوش، اطلاعات دقیق و روشنی از اقتصاد امپراطوری داشته و اقدامات وی در راستای دستیابی به اهداف مالی، زمینه ترکیب بهینه ای از حضور زنان و مردان را در کارهای تولیدی فراهم نمود.

در واقع داریوش بر شبکه وسیعی از گردآوری ثروت در سراسر امپراطوری نظارت داشت و مرکز ایالات نیز به جمع‌آوری ثروت و مالیات موظف بودند و حتی در مناطقی چون مصر و بابل چنان که اشاره شد زمین‌های متعلق به معابد نیز در اختیار کشاورزان برای کار و تولید قرار داده می‌شد (Dandamayev, 1998: 103). به این ترتیب زمین از مهمترین منابع درآمدی شاه و کشور محسوب می‌شد و محصولات این ایالت‌ها در انبارهای متعدد ذخیره و به ایالت پارسه حمل و انبار می‌گردید.

در الواح تخت جمشید برای پرداخت مزد زنان کارگر، به کالاهای بسیاری اشاره شده که بیشتر آنها کالاهای خام طبیعی چون غله و میوه‌ها و برخی فراورده‌های طبیعی همچون شراب، آبجو، روغن و کالاهای دیگری چون گرده‌های نان جوین، خرما، سیب، کنجد، انجیر، گلابی، گوسفند، گاو و نیز کالاهای ناشناخته‌ای چون Zali, kazla می‌باشد. (ارفعی، همان، ۳۴). در واقع مناطق جنوب غربی ایران در دوره هخامنشی سرزمین‌هایی پر نعمت بودند (Tuplin, 1979: 140-143). در این الواح به مکانهایی چون تیرازیش (شیراز)، پارمیزان و هران اشاره شده است (رزمجو، ۱۳۷۶: ۱۸۶-۱۶۱).

به استناد الواح بارو، بر مبنای مشاغل و حرفه‌های مختلف بین زنان و مردان، تقسیم کار صورت گرفته است که این پیوستگی، رسیدن به تولید بیشتر را در دوره داریوش اول در ایالت پارسه سبب شد.

دستمزد زنان کارگر بر اساس مهارت آنان و با مردان همسان بوده است. ظاهراً در مواردی که کار تخصصی نبوده جیره مردان ۳۰ کوارت غله و زنان ۲۰ کوارت بوده است (بروسیویس، همان: ۲۳۶) که در این میان، نوع کار انجام گرفته و سرپرست خانواده بودن مردان در پرداخت این نوع دستمزد نقش داشته است. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این

است که آیا زنان با توجه به حقوقی که می‌گرفتند استقلال مالی نیز داشته‌اند؟ یعنی می‌توانستند آن‌گونه که خود می‌خواهند حقوق خود را خرج نمایند یا اساساً این حقوق می‌بایست به مصرف خانواده می‌رسیده است؟ در پاسخ، این مساله را باید در نظر داشت تا زمانی که دستمزدها بصورت اقلام غذایی بوده این دریافتی‌ها در خانواده به مصرف می‌رسیده اما زمانی که از واحدهای پولی برای پرداخت دستمزد استفاده می‌شده بستگی به شرایط خانوادگی، احتمالاً برخی زنان این آزادی را داشتند که از حقوق خویش در موارد دلخواه استفاده کنند.

ارفعی، در بحث فعالیت‌های انجام شده در پروژه تخت جمشید به کارگران کوشنده اشاره می‌کند که کارهای بدنی سخت انجام می‌داده‌اند (ارفعی، همان: ۵۱). به نظر می‌رسد این نوع کار در مورد مردان صدق می‌کند. اما در متنهایی که گزارش‌های سالانه یا قسمتی از سال یک شهر هستند در گروه N در سطر ۶ به زنان کوشنده (Zamip) هم اشاره شده است که سهمیه مواجب خود را دریافت نموده‌اند (بریان، ۱۳۸۵: ۶۷۱-۶۸۶). اینکه زنان کوشنده به چه کاری مشغول بوده‌اند دقیقاً مشخص نیست. اما بنظر می‌رسد کارهایی بوده که سختی بیشتری به نسبت سایر کارهایی که زنان در ایالت پارسه انجام می‌دادند داشته است. شبیه کارهایی که به حوصله و تزیین نیاز داشته است.

شواهد گویای حضور زنان در مشاغلی همچون چوب بری و کار کردن با چوب در ایالت پارسه است (Cameron, 1948: 137).

کار کردن زنان در معادن سنگ و سنگ بری به منظور تراش دادن سنگها جهت استفاده، نیز مسلم است بطوری که حدود ۲۸۰۰ زن به این حرفه مشغول بوده‌اند علاوه بر آن در لوحی به حضور ۲۷ زن و ۹ دختر در حرفه تپلاسازی نیز اشاره شده است. (همان، ۱۴۲-۹۷) باید توجه داشت که حضور زنان در طرح‌های عمرانی ایالت پارسه، بیشتر با همراهی خانواده بوده است. به طوری که همه اعضای خانواده که توانایی کار کردن داشتند در فصول مختلف،



به مشاغل مورد علاقه می پرداختند. در واقع می توان گفت اقتصاد پویا در این دوره زمانی، به نوعی بستر مشاغل متعدد و فعالیتهای متنوعی را فراهم نمود.

در این راستا بسیاری از زنان کارگر نیز به دوخت لباسهای ساده و اشرافی مشغول بودند و البته امکانات آموزشی و حرفه‌ای برای مردان و زنان برابر بوده است. میزان حقوق و دریافتی در مشاغل دیگر نیز مسلم است که به نوع کار و سختی آن بستگی داشته است (کخ، همان: ۲۷۰). در لوح (PF999) لیست پرداخت جو به کارگران کارگاه خیاطی وجود دارد که در آن پرداخت‌های متفاوتی دیده می شود. حقوق کمتر مربوط به کودکان است که به نسبت سن و کاری که انجام می‌دادند حقوق می‌گرفتند. ۲ پسر و ۵ دختر بچه هر کدام ۵ لیتر، ۶ پسر و ۵ دختر هر کدام ۱۰ لیتر، ۲ پسر و یک دختر هر کدام ۱۵ لیتر جو ماهیانه می‌گرفتند. طبق بررسی‌های موجود بنظر می رسد همه اعضای خانواده برای یک کارفرما که ممکن بود دربار باشد کار می‌کردند و به آموختن حرفه می‌پرداختند (همان: ۶۴). نکته مهمی که نباید آن را از نظر دور داشت، حضور کودکان دختر و به رسمیت شناختن آنان برای کارآموزی بوده است. به این معنا که با کسب شایستگی‌های لازم و ظهور قابلیت‌های حرفه‌ای، به آنان حقوق پرداخت می شده است. روشن است که این گروه، بعدها می توانسته اند به مقام سرپرستی یک کارگاه برسند و به اداره یک مجموعه بپردازند. لازم به یادآوری است که به گواهی الواح در سایه رونق اقتصادی، مراکز آموزش حرفه ای جهت آموختن تخصص مورد نیاز به زنان در ایالت پارسه وجود داشته است.

بر اساس بررسی و مطالعه استنادی الواح بارو، کمترین دستمزد ۳۰ لیتر جو در ماه بوده که به خدمتکاران و پادوها تعلق می‌گرفت. البته کارگران دیگری که حداقل میزان دستمزد را می‌گرفتند به عناوین مختلف و مناسبتها، پاداش یا دریافت‌های جبرانی داشتند که اغلب یک لیتر جو و نیم لیتر شربت بود که در این میان بانوان خیاط نیز هر ۳۰ نفر ماهانه یک بز یا گوسفند به عنوان حقوق جبرانی می‌گرفتند. به این جیره کمک شاهانه نیز افزوده می‌شد که عبارت بود از یک لیتر آرد، جو مرغوب، جوانه خشک جو، میوه، حبوبات که بصورت یک بار در سه ماه به آنان پرداخت می‌گشت. از طرف دیگر متناسب با سطح مهارت بانوان در

کارگاه‌های خیاطی، به آنان حقوق پرداخت می‌شد مثلاً ۲ زن دوزنده پالتوهای ظریف، ماهانه ۲۰ لیتر جو، هفت زن دیگر در این کارگاه خیاطی ۳۰ لیتر و یک زن دیگر ۳۵ لیتر می‌گرفته‌اند. ۲۲۱ دوزنده لحاف هر کدام ۳۰ لیتر جو دریافت می‌کردند (حسین‌پر، ۱۳۸۸: ۳۸-۴۰). روشن بودن مباحث مالی مطرح شده در الواح، این نکته را مسلم می‌دارد که زنان و حتی کودکان دختر در ایالت پارسه، متناسب با سطح تخصص و کارایی خویش حقوق دریافت می‌کردند. یعنی ملاک و سنجش میزان دستمزدها، نوع کار انجام گرفته توسط زنان و مردان بوده نه بعد جنسیتی. اما تنها تفاوت مهم حقوقی، که گواه کهن‌ترین سنت آریایی‌ها است و در الواح به آن اشاره شده اهمیت تولد نوزاد پسر است. روی هم رفته شواهد نیز این باور را تایید می‌کند که در قوانین عرفی جامعه هخامنشی، فرزندان پسر شادی بیشتری را موجب می‌شدند. زیرا پاداش تولد نوزاد پسر دو برابر یعنی ۲۰ لیتر جو و ۱۰ لیتر شراب و آبجو بوده است و این تنها موردی است که تفاوت میان زن و مرد دیده می‌شود (کخ، همان، ۲۷۰). از دیدگاه ایرانیان بعد از شجاعت در جنگاوری، داشتن فرزندان متعدد از افتخارات محسوب می‌گشت (علوی، ۱۳۷۸: ۱۸) و اهتمام به این مسأله یعنی تمایل به داشتن فرزندان متعدد بویژه داشتن فرزندان پسر، در شاهنشاهی داریوش قابل توجه است. هرچند بنظر می‌رسد شرایط خاص شاهنشاهی و در حال جنگ بودن کشور یکی از دلایل اهمیت فرزندان پسر به دلیل قابلیت دفاع و نظامی‌گری باشد اما در این میان یادمان نیاکانی آریایی‌ها و سنت‌های بر جای مانده از تفکرات پدرسالاری را نمی‌توان نادیده انگاشت.

بیشترین کالایی که برای تشویق به مادران داده می‌شد شراب و گاهی آبجو بوده است. مثلاً یک مریش شراب به مادرانی که پسر زاییده‌اند و نیم مریش به مادرانی که دختر زاییده‌اند پرداخت شده است (ارفعی، همان: ۴۷).

می‌توان پنداشت که عمق شناخت داریوش از شرایط سیاسی و نظامی و لزوم توجه وی به افزایش جمعیت کشور در حال جنگ، چالشها را تعدیل ساخته و انسجام اجتماعی نوینی را ایجاد نمود. شاید اشتیاق به تولد نوزاد پسر و ربط دادن این مسأله به شرایط در حال جنگ شاهنشاهی توجیهی منطقی باشد، اما این اندیشه چنانکه اشاره شد تحت تأثیر خاستگاه فکری

آریاییها و میان قبایل پارسی پیشینه‌ای به درازای ورود آریایی‌ها به فلات ایران دارد که با گذر زمان این تفکر همچنان باقی مانده است. البته به استناد الواح، در عصر هخامنشی در سطوح مختلف اجتماعی به نوعی این مساله تعدیل یافت. به این معنا که تعدیل جنسیتی در حرفه‌ها و اداره امور، و پیوستن زنان به چرخه تولید و سازماندهی و مدیریت اجتماعی آنان در برخی مشاغل مانند مدیریت کارگاه‌های خیاطی بستر شکوفایی اقتصادی را در دوره داریوش اول در ایالت پارسه موجب شد.

در یکی از الواح یاد شده به تاریخ سال نوزدهم از ماه ششم سلطنت داریوش، به تعداد تولد نوزادان دختر و پسر در یک محدوده جغرافیایی اشاره شده است. به این مضمون که ۲۲ زن فرزند پسر بدنیا آورده اند. که هر کدام ۱ مریش شراب دریافت کرده اند و ۱۸ زن که دختر زاییده‌اند، نیم مریش شراب دریافت کرده‌اند (همان: ۱۸۳). ایرد به مه از جمله زنانی است که نامش در ارتباط با جیره مادران در تیرازیش آمده و حوزه کاری وی از تخت جمشید تا شوش است. وی برای صدور فرمان از مهر مخصوص خود استفاده می‌نموده و به امور کارگزارانش در تیرازیش (شیراز) رسیدگی می‌نموده است (بروسیوس، همان: ۱۸۶-۱۸۷).

نکته قابل تامل در دریافت مواجبی که بصورت شراب بوده این است که الواحی که در آن کارگران مواجب خود را بصورت شراب و آبجو می‌گیرند، مردان بیش از زنان شراب و آبجو دریافت کرده اند و از سوی دیگر تنها مردان و زنان دریافت کننده هستند. در صورتی که در دریافت مواجبی چون غله و آرد پسران و دختران، مردان و زنان سهیم می‌باشند (ارفعی، همان: ۴۶-۴۵).

اگر گفته خانم کنخ را بپذیریم که منظور از شراب نوعی نوشابه انرژی‌زا در این زمان بوده که به عنوان دستمزد پرداخت می‌شده شاید مردان و زنان به دلیل کارهای بدنی سخت تر نیاز بیشتری به این نوشیدنی‌ها داشته‌اند و یا اساساً این جیره به سرپرست خانواده تعلق می‌گرفته است.

به استناد الواح، در بحث فعالیت‌های انجام شده در ایالت پارسه، بین زنان و مردان نوعی تقسیم کار وجود داشته است. به این معنا که برخی مشاغل کاملاً مردانه و برخی زنانه بوده‌اند. البته در این میان مشاغل مشترکی نیز وجود داشته است. به عنوان مثال از مشاغل مشترک بین زن و مرد، شغل باریک‌کورش به معنای محافظ است (Hallock: 747b). البته این شغل در مورد زنان شاید مفهومی متفاوت با مردان داشته باشد. به این معنا که بنظر می‌رسد محافظت زنان مبنای پرستاری و نگهداری کودکان، زمانی که مادران مشغول به کار بوده‌اند باشد. زیرا تعداد زیاد زنان در عرصه کار با توجه به تولد نوزادان و تشویق امپراطوری به زایش و باروری، می‌بایست مکانی برای نگهداری کودکان وجود داشته باشد که به‌نظر می‌رسد افرادی بصورت نیمه‌وقت به نگهداری این کودکان اشتغال داشته‌اند.

چنان که اشاره شد در برخی از مشاغل از حضور زنان خبری نیست. به عنوان نمونه در مدیریت حوزه‌های دیوانی و محاسبات به‌نظر می‌رسد کارهایی که نیاز به بازدید و کنترل، و سفر به بخش‌های مختلف حوزه یک ایالت بوده و نیاز به ترک محل سکونت داشته از زنان استفاده نمی‌شده است. به دلیل الزام حضور زنان در کنار خانواده (کخ، همان: ۲۷۱). همچنین در متن‌های مسافرتی که در بیشتر موارد گیرنده کالا یکی از گروه مسافران است از زنان و دختران کمتر یاد شده است (ارفعی، همان: ۴۹). به عنوان مثال بریشدمه (barrisdama) به معنای راهنمای سفر (Hinz & Koch, 1987: 155-156). از جمله مشاغلی است که در آن زنان حضور ندارند. به این دلیل که این شغل با توجه به سختی‌های بین راه و دور بودن از خانواده اساساً شغلی مردانه به‌نظر می‌رسد. دتیمره به معنای مساحت گر یا محاسبه‌کننده راه‌ها (Mayrhofer, 1979: 183) از دیگر مشاغل مرتبط با سفر است که در آن از حضور زنان خبری نیست. (توپیرا) به معنای کاتب یا نویسنده از دیگر مشاغلی است که در انحصار مردان بوده است. این در حالی است که (گال هوتیپ) به معنای توزیع‌کننده جیره و دستمزد از مشاغل زنان بوده است. (Hallock: 734a) و البته میزان دریافتی زنان توزیع‌کننده دستمزد، از دیگر مشاغل کمتر است (بروسیوس، همان: ۱۹۹). شاید این مساله به دلیل راحتی این کار باشد و اینکه زنان گال هوتیپ، در محدوده زندگی خویش با توجه به تشکیلات

کاری، به وظیفه خود که توزیع دستمزد بوده عمل می نمودند. از طرفی چنان که اشاره شد مشاغلی که در آن نیاز به ترک محل سکونت داشته، به مردان واگذار می شده است. به دلیل مرارت راه و البته تاکید شاه بر افزایش جمعیت کشور و توجه به ویژگی فرزندآوری در زنان، به طور معمول حضور زنان در خانواده پسندیده تر می نمود. بنابراین، این مساله به معنای عدم قابلیت زنان در مشاغل یاد شده نیست. بلکه بسیاری از زنان در محدوده ایالت پارسه، متناسب با شرایط خانوادگی، بصورت نیمه وقت به کار مشغول بوده اند. زیرا کارهای منزل و حفاظت از فرزندان و تامین آرامش خانواده نیز از وظایف زنان محسوب می شده است. چنان که اشاره شد میزان دریافتی ها برخاسته از ارتباطی منطقی بین نوع کار و سختی و آسانی آن است. به این معنا که معیار و مدار دستمزدها و شرکت در فعالیت های اجتماعی به نیازها وابسته بوده و در حاشیه ظرفیت ها و قابلیت ها دور می زد.

به عنوان مثال در ۴ متن از متن های ارائه شده مواجب کارگران، مواجب زنان بالاتر از مردان است در متن ۷۰۸ در شهری بنام کور (Kurra) (کامفیروز) یک زن ۵ BAR ۹ زن ۴ BAR و ۱۱ زن ۳ BAR غله دریافت می دارند. در حالی که ۴ مرد ۴ BAR و ۱۱ مرد ۳ BAR غله دریافت می کنند. در شهری در نزدیکی لیدوم (به احتمال زیاد نزدیک فهلیان) زنان به مراتب بیش از مردان غله دریافت می کنند. این زنان irsar (رئیس، سرکرده) نامیده شده اند. در این متنها نشانی از پیشه و علت پرداخت نیست (ارفعی، همان: ۴۴). اما میزان دریافتها به روشنی تخصص و مهارت گیرنده را بیان می کند که متناسب با نوع کار پرداخت می شده است. آنچه مسلم است تشکیلات کاری منسجم، مستلزم یک سیستم مالی پویاست که در آن فعالیتهای تولیدی رونق یابند. با توجه به مطالب عنوان شده و به استناد شواهد و مدارک برجای مانده، رونق اقتصادی عصر داریوش، ارتباط مستقیمی با حضور و مشاغل متنوع زنان در عرصه های تولیدی داشته است.

## نتیجه

بر اساس داده های روشن و نظام مند الواح باروی تخت جمشید و نقادی این الواح، سیاستهای مالی مانند فراهم نمودن بسترهای ایجاد اشتغال از عوامل تاثیرگذار بر جلب مشارکت زنان در طرح های اقتصادی و عمرانی ایالت پارسه در عصر داریوش اول هخامنشی است که به تقویت توانمندی زنان در سازماندهی اقتصادی امپراطوری انجامید. این الواح که مبنای اظهار نظر در مورد شرایط حقوقی زنان هخامنشی است، بطور ضمنی به استقلال اقتصادی زنان و اختیارات آنان در عرصه های اقتصادی و اجتماعی در کنار نقش تاریخی زنان در محافظت از فرزندان و خانواده اشاره دارد.

اعمال سیاستهای مالی داریوش چنان که اشاره شد زمینه بهبود شرایط زندگی و ایجاد مشاغل گوناگون را موجب و همکاری بیشتر زنان و مردان را در اجرای برنامه های توسعه شاهنشاهی فراهم آورد. بنابراین اهداف اقتصادی داریوش زمینه بروز و ظهور توانمندی زنان را در عرصه های کار و فعالیت های اجتماعی فراهم نموده و شرایط لازم را جهت برخورداری یکسان حقوقی زنان و مردان در ایالت پارسه فراهم آورد. هر چند در مواردی نیز اندیشه های کهن هندواروپایی مانند برتری فرزند پسر و تعلق پادشاه بیشتر به وی همچنان وجود داشت. اما این مساله در سایه رونق اقتصادی و حضور زنان در پروژه های مالی و عمرانی صورتی معقول یافت. بازخوانی الواح به روشنی حضور زنان ایالت پارسه در عرصه های مختلف کار، تولید و مدیریت در دوره داریوش اول هخامنشی را بیان می کند که این مساله با توجه به رونق اقتصادی عصر داریوش و سیاستهای پولی و اصلاح و جهت دهی ساختار مالی مناطقی مانند ساتراپهای غربی و وارد نمودن این ثروتها به چرخه تولید در امپراطوری میسر گشت. کنکاش در الواح بیانگر این نکته است که زنان به عنوان بخش قابل توجهی از جمعیت امپراطوری هخامنشی پا به پای مردان و با تعاملی سازنده شایستگی حرکت در سطوح مختلف مشاغل اجتماعی را پیدا نموده و نیز فرصت تحرک و رسیدن به مشاغل بالای اجتماع و پستهای مدیریتی را پیدا نمودند. بطوری که در موارد متعددی در ایالت پارسه کارگران مرد زیردست آنان مشغول به کار بوده اند. نیز دریافتهای زنان در مشاغل مختلف، بر مبنای

مهارت آنان متفاوت بوده و سختی کار در میزان دستمزد دخیل بوده است. از طرف دیگر امکان آموزش‌های حرفه‌ای برای مردان و زنان صورت یکسانی داشته است. به این معنا که ابعاد جنسیتی مد نظر نبوده و امتیازات شغلی و حقوقی صرفاً متوجه مردان نیست. بلکه زنان نیز با شایستگی به ایفای نقش‌های اجتماعی و حرفه‌ای پرداخته و در رونق امپراطوری تاثیر بسزایی داشته‌اند.

## منابع و ماخذ

- ات. اومستد، (بی تا)، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه دکتر محمد مقدم، چاپ هفتم تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ارفعی، عبدالمجید، (۱۳۸۷)، گل نبشته‌های باروی تخت جمشید، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- امین، سید حسن، (۱۳۸۲)، تاریخ حقوق ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات دایره‌المعارف ایران شناسی.
- ایمان‌پور، محمدتقی، (۱۳۸۸)، بررسی جایگاه سیاسی ساتراپ‌های هخامنشی در دوره داریوش بزرگ با تکیه بر کتیبه‌ها، نشریه علمی- پژوهشی تاریخ ایران، ش ۶۱/۵.
- ایولین، رید، (۱۳۸۹)، آزادی زنان، مسائل تحلیل‌ها و دیدگاه‌ها، ترجمه افشنگ مقصودی، چاپ سوم، نشر گل آذین.
- آزاد، حسن، (بی تا)، پشت پرده‌های حرمسرا، چاپ هفتم، انتشارات انزلی.
- آلتهایم، فرانتس، (۱۳۸۲)، تاریخ اقتصادی دولت ساسانی، ترجمه هوشنگ صادقی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- بروسیوس، ماریا، (۱۳۸۱)، زنان هخامنشی، ترجمه هایدی مشایخ، چاپ اول، انتشارات هرمس.
- بریان، پی‌یر، (۱۳۸۵)، تاریخ امپراطوری هخامنشی، ج ۱، ترجمه ناهید فروغان، نشر قطره.
- پلوتارک، (۱۳۶۹)، حیات مردان نامی، مترجم رضا مشایخی، ج ۴، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پورداوود، ابراهیم، (۱۳۲۳)، زن در ایران باستان، مجله آینده، شماره ۶.
- حسین بر، رحمت‌الله، (۱۳۸۸)، تدبیر، شماره ۲۱۴، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



رجبی، پرویز، (۱۳۸۰)، هزاره‌های گمشده، نشر توس.

رزم جو، شاهرخ، (۱۳۷۶)، مراسم لن و دیگر مراسم آیینی در دوره هخامنشی یاد بهار (یاد نامه‌ی دکتر مهرداد بهار)، تهران، انتشارات آگه.

شاپور شهبازی، علیرضا، (۱۳۴۹)، کوروش بزرگ، شیراز، انتشارات دانشگاه پهلوی.

علوی، هدایت‌الله، (۱۳۷۸)، زن در ایران باستان، چاپ سوم، تهران، انتشارات هیرمند.

غلامرضایی، فریده، (۱۳۹۴)، زن در تاریخ و فرهنگ ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات ارون.

کار، مهرانگیز؛ لاهیجی، شهلا، (۱۳۷۱)، شناخت هویت زن ایرانی در گستره‌ی پیش از تاریخ و تاریخ، چاپ اول، انتشارات روشنگران.

کخ، هاید ماری، (بی تا)، از زبان داریوش، مترجم پرویز رجبی، چاپ چهاردهم، نشر کارنگ.

کوک، جان مانوئل، (۱۳۸۳)، شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، انتشارات ققنوس.

نورث، داگلاس سیسیل، (۱۳۷۹)، ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، چاپ اول، تهران، نشر نی.

وحدتی هلان، یونس، (۱۳۹۱)، ارزش و مقام زن در ایران باستان، چاپ اول، انتشارات اختران.

ویسهوفر، یوزف، (۱۳۸۲)، ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، انتشارات ققنوس.

هرودت، (۱۳۶۸)، تواریخ، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب.

هینتس، والتر، (بی تا)، داریوش و پارس‌ها، ترجمه عبدالرحمن صدویه، تهران، انتشارات امیر کبیر.

## منابع لاتین:

Bottero,(2002), Naissance de, Dieullabible,et,historien,Folio Histore,Gall imared,Parsi.

Dandamayev, M. A. (1998). “*Economy III in the Achaemenid period*” in: E. Yarshater (ed.) *Encyclopedia Iranica.*, Vol. VIII, Fasc. 1,

Cameron,George G(1948)Persepolis Treasury tablets ,Chicago:university of Chicago press ,ILINOLSE.

Hallock,R.(1969), Perspolice,Fortification Tablets,The university of Chicago Press, Chicago.

Henkelman, W(2011). *Of Tapyroi and tablets,states and tribes:the historical geography of Pastoralism in the Achaemenid heartland in Greek and Elamite sources.* Bulletin of the Institute of Classical studies 54/2:1-16.

Hinz,W.,&Koch,H. (1978). *Elamisches Worterbuch,* 2 vols.(Archäologische Mitteilungen aus Iran Erg Bd.17), Berlin.

Josef Wiesehifer. ( 1996) *Ancient Persia from 550 Bcto650AD Translated by Azizeh Azodi* London,New York 10B Tauris.

Jursa, Michael. (2011). “*Taxation and Service Obligations in Babylonia from Nebuchadnezzar to Darius and the Evidence for Darius’Tax Reform*”, Herodot und das Persische Weltreich/ Herodot and Persian Empire, Edited By Robert Rollinger, Brigitte Truschnegg and Reinhold Bicjler, Weisbaden.

Kuhrt, A. (1983). "The Cyrus Cylinder and Achaemenid Imperial Policy," *Journal for the Study of the Old Testament* 25.

Mayerhofer. M. (1971). *Neuere Forschungen Zum Altpersischen*. In *Dorumr Indogermanicum: Festgabe fub-Anton Scherer Zum 70.Geburtstag,Heidelberg*.

Meadows, Andrew R. (2005). "The Administration of the Achaemenid Empire", John Curtis and Nigel Tallis(Ed), in: *Forgotten Persian, Empire: The world of Ancient Persia*, London: British Museum.

Rostovtzeff, M. (1941). *the Social and Economic History of the Hellenistic World*, Vol. I, Oxford: Clarendon press.

Tallis, Nigel.(2005). "Transport and warfare", John Curtis and Nigel Tallis (Ed), in: *Forgotten Persian Empire: The world of Ancient Persia*, London: British Museum.

Tuplin.c.(1998).*The seasonal Migration of Achaemenid kings:A Report on old and New Evidence* In *Studies in Persian History :Essays in Memory of David M.(Achaemenid History 11)*,edited by,M. Brosius and A..Leiden:NINO.

## **Analysis and impact of the Achaemenid Empire economy on the legal status of women in Parsa state during the era of Darius I (486-522 BC) based on the tablets of the Persepolis wall**

Soheila kamjoo, Amir Akbari

### **Abstract:**

The legal position of women and their presence in production and construction activities is one of the most effective components of social development. In this regard, the tablets of the ramparts of Persepolis contain interesting points about the legal status of women in Parse state during the era of Darius I Achaemenid. The present study, relying on the analytical descriptive method and using archeological evidence and surviving documents, examines the impact of the economy of the Achaemenid Empire on the legal status of women in the Parsa state during the era of Darius I Achaemenid, and seeks to answer the question that the economy of the empire in What effect has this age had on the legal status of women in Parse state? The findings of the research show the influence of the legal status of women in Parse state on the economic conditions and financial policies in the era of Darius I Achaemenid, which had an impact on the legal beliefs towards women and brought new conditions in terms of citizenship rights for women. In the sense that In the process of economic growth and income distribution, the women of Parse state found a strong motivation for economic participation in royal projects and engaged in productive activities alongside men.

**Keywords:** Economy, Persepolis wall plates, women, Darius I, Parse state